

سوره «مریم» (۱۹)

اگر خواسته باشیم مشخصه ممتازی برای سوره مریم تعیین کنیم بدون شک موضوع ارتباط انسان با خدا (صلوة) که در این سوره در قالب کلماتی مثل: دعاء نداء، مناجات، ذکر، سجده، عبادت، اخلاص، استغفار، تسبیح، تقرب، توبه و... آمده است از مهم ترین موضوعات مورد توجه می باشد.

این سوره با ذکر حالات عرفانی و مناجات ها و راز و نیازهای عاشقانه برخی انبیاء (علیهم السلام) با پروردگار ذوالجلال والاکرام شروع می شود و بتدریج لذت مناجات و احساس عمیق محبت بخالق را در دل خواننده بیدار می کند.

در سوره مریم بجز نام الله و «رب» هیچ نام نیکوی دیگری به غیر از «رحمن» نیامده است و با این که تعداد «الله» از همه کلمات قرآن بیشتر است، در اینجا نام «رحمن»، گذشته از آن که دو برابر «الله» می باشد (۱۶ بار در برابر ۸ بار)، از بقیه سوره های قرآن نیز بیشتر است، بطوری که حدود ۳۰٪ از کل مجموع این نام در این سوره کوچک (که حدود ۱٪ حجم قرآن را دارد) بکار رفته است. این مسئله نشان می دهد که موضوع «رحمانیت» محور اساسی سوره و از کلمات کلیدی و زیر بنائی آن می باشد. نام «رحمن» رحمت عام و جهان گستر پروردگار را که همچون نور همه انسانها و موجودات را بتساوی فرا گرفته تداعی می نماید، در برابر نور رحمت، انسانها دو نوع بازتاب نشان داده اند؛ انبیاء و اولیاء و بندگان مومن و صالح خداوند از طریق «صلوة» (در معنای وسیع کلمه) شکر این نعمت را بجای آورده مجذوب آن گشته و توانسته اند در تخلق به اخلاق الله، خود مظهر محبت و مودت و

لطف و رحمت و مردم دوستی کردند^۱ اما پیروان آنها و اکثریت مردم، قدر «صلوة» را نشناخته با ضایع کردن این نعمت به «شهوات» روی آوردند. اهل «صلوة» از طریق ارتباط با خدا به «رشد» و هدایت رسیدند و اهل «شهوات» با سرسپردگی به معبودهای خیالی به «غی» و ضلالت درافتادند.

اولئك الذين انعم الله عليهم من النبيين ... و ممن هدينا و اجتبينا اذا تتلى عليهم آيات الرحمن خروا سجداً بكياء.

فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف يلقون غياً.

به این ترتیب در این سوره نیز همانند سوره قبل (کهف)، که شباهت‌های زیادی با این سوره دارد) دو مسیر یا دو جهت حرکت انسانها بنمایش گذاشته شده است. در سوره کهف این دو مسیر در رابطه با توحید و قیامت مطرح گشته و انسانها در دو صف؛ اهل ایمان و عمل صالح و اهل دنیا و زینت‌های آن معرفی شده‌اند. در حالی که در سوره مریم این دو مسیر در رابطه با عشق به خدا و محبت و دوستی او که از طریق «صلوة» متجلی می‌گردد، نشان داده شده و انسانها در دو صف؛ دوستداران خدا (اهل صلوة و دعا و سجده و...) و دوستداران شهوات (اهل هوی و هوس و آرزوهای دنیائی) توصیف گشته‌اند.

بنابراین دل بستن به یکی از دو مطلوب «صلوة» یا «شهوات» (با مفهوم گسترده هر دو واژه) بنظر می‌رسد موضوعی است که سوره مریم در مقام تبیین و تشریح آن باشد. همان طور که گفته شد، انبیاء و اولیاء و بندگان صالح خداوند با سجده بدرگاه او و اظهار عبودیت و خشوع توأم با تضرع و تقرب دل در گرو محبت خالق سپرده به «رشد» و هدایت رسیدند، اما امت‌های آنها سجده بر دنیا و زینت‌های آن زدند و طوق بندگی اربابان و جباران روزگار را بگردن نهاده سرسپرده ایشان شدند تا از خوان نعمت و قدرت آنها بهره و عزتی فراگیرند.

واتخذوا من دون الله الهة لیکون لهم عزا کلاسیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدا

شگفت این که در این سوره دقیقاً آن بخش از زندگی انبیاء توصیف گشته است که در رابطه «رحمن» و موضوع ارتباط و اخلاص آنها با معبودشان می‌باشد. هماهنگی کامل با

۱. نه تنها انبیاء بلکه اهل ایمان و عمل صالح نیز آن طور که در اواخر سوره نشان می‌دهد، خداوند دوستیشان را در دل مردم قرار می‌دهد (ان‌الذین آمنوا و عملوا الصالحات سیجعل لهم الرحمن ودا)

۲. یک ربع آخر سوره که به مجرمین یعنی اهل شهوات تعلق یافته، در سه بخش تکذیب آنها را در مورد قیامت (۷ آیه)، نبوت و آیات قرآن (۸ آیه) و توحید (۱۶ آیه) نقل می‌نماید.

سیاق سوره دارد. آیات ذیل این موضوع را نشان می دهد:

<p>آیه (۳) اذنادی ربه نداء خفياً « (۴) قال رب... ولم اکن بدعائك رب شقياً « (۵) .. فهب لی من لدنک ولیاً « (۱۱) فخرج علی قومه من المحراب فاوحى الیهم ان سبحوا</p>	}	<p>زکریا (ع)</p>
<p>آیه (۷) یا زکریا انا نبشرك بغلام اسمه یحیی... « (۱۳) وحناناً من لدنا و زکوة و کان تقیاً « (۱۴) و برا بوالدیه ولم یکن جباراً عصیاً</p>	}	<p>نتیجه دعا (موهبت الهی)</p>

در این سری آیات که ۷ بار نام «رب» تکرار شده، رحمت و ویژه پروردگار بر زکریا یادآوری می شود (ذکر رحمت ربک عبده زکریا)، زکریای پیامبر در محراب عبادت غرق دعاء و نداء بود که درخواستش برای فرزندی که تداوم بخش رسالت او و میراث بر بار سنگین نبوت باشد اجابت گردید. از آنجایی که زکریا شیفته محبت الهی و عارف عاشق حق تعالی بود، فرزندش نیز چنین ویژگی هایی را به ارث برد و مظهر مهربانی و نیکوکاری گردید (و حنانا من لدنا... و برا بوالدیه ولم یکن جباراً شقیماً).

<p>آیه (۱۶) واذکر فی الکتاب مریم اذ انتبذت من اهلها مکاناً شرقیاً « (۱۷) فاتخذت من دونهم حجاباً... آیه (۱۹) قال انی رسول ربک لاهب لک غلاماً زکیاً « (۲۰) قال انی عبدالله اتینی الکتاب و جعلنی نبیاً. « (۲۱) و جعلنی مبارکاً این کنت و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حیاً « (۲۲) و برا بوالدتی ولم یجعلنی جباراً شقیماً</p>	}	<p>مریم (ع)</p>
<p>نتیجه دعا (موهبت الهی)</p>	}	

از آیات سوره آل عمران (۳۵ تا ۴۵) آشکار می گردد که مریم یکسره در محراب عبادت مشغول قنوت و رکوع و سجود بود و خداوند به این ترتیب او را صاف و طاهر نمود (ان الله اصطفیک و طهرک)، در این سوره کناره گیری او را از مردم (اذا انتبذت من اهلها مکاناً شرقیاً) برای عبادت و اعتکاف و در حجاب و پنهان شدنش را از غیر (فاتخذت من دونهم حجاباً) شرح می دهد. این حالات همان جذبه های نیرومند «رحمن» است که بندگان آشنا و

عارف را بخود می کشد.

نتیجه چنین عبادت و احساسی، دریافت «موهبت» الهی است که در ولادت پر برکت «عیسی (ع)» تحقق می یابد. عیسی نیز همانند یحیی مظهر رحمت الهی (رحمة منا) و لطف و نیکی می گردد (برا بوالدیه ولم یکن جباراً عصیاً) و برای جهانیان نشانه و آیه ای می شود. (آیه للناس).

مریم با صلوة و تزکیه به این مقام رسید و عیسی نیز بهمین شیوه توصیه می شود (... و اوصانی بالصلوة والزکوة مادمت حیاً) فرشتگان مبشر نیز او را به همین صفت ستوده اند (لاهب لك غداً زکياً). شگفت اینکه یحیی نیز به همین صفت ستوده شده (و حناناً من لدنا و زکوة و کان تقياً) و در چند آیه بعد اسمعیل نیز که همانند یحیی (... و اجعله رب رضياً) مرضی خدا بود (کان عند ربه مرضياً) همین سفارشات را به اهل بیتش می نماید (و کان یأمر اهله بالصلوة والزکوة...) به این ترتیب «زکوة» که موجب تزکیه و رشد و نمو سالم انسان می باشد زمینه جلب «رضایت» الهی می گردد.

آیه (۴۱) واذکر فی الکتاب ابراهیم انه کان صدیقاً نبیاً.	} ابراهیم (ع)
« (۴۷) قال سلام علیک ساستغفر لک ربی انه کان بی حفیاً.	
« (۴۸) واعترز لکم و ماتعبدون من دون الله و ادعوا ربی عسی الا اکون بدعاء ربی شقیاً.	
نتیجه دعا	} (موهبت الهی)
آیه (۴۹) فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله وهبنا له اسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً.	
« (۵۰) و وهبنا لهم من رحمتنا و جعلنا لهم لسان صدق علیاً	

در مورد زندگی حضرت ابراهیم خلیل (ع) آیات زیادی در سوره های مختلف نازل شده است که ابعاد روحی این پیامبر عظیم الشان را نشان می دهد. در سوره مریم بتناسب سبک و سیاق آن که بر محور «رحمن» می گردد و از صلوة و دعا و عبادت یاد می کند، از همین زاویه و هماهنگی با بقیه مطالب سوره گوشه هایی از رفتار محبت آمیز ابراهیم را با

پدرش^۱ (مثل رفتار یحیی با زکریا و مادرش و عیسی با مریم) و کناره گیری (عزالت) او را از مردم و فرهنگ حاکم بر جامعه (همانند حضرت مریم) نشان می دهد، آنگاه استغفار او را برای پدر (قال سلام علیک ساستغفرلک ربی) و عبادت مخلصانه اش را برای خدا، به جای بت ها (واعتزلکم و ما تعبدون من دون الله و ادعوا ربی) و دعای خالصانه اش را به درگاه خدا نقل می کند (عسی الا اکون بدعاء ربی شقیاً) و در این دعا همانند زکریا که فرمود: «ولم اکن بدعائک شقیاً» بر عدم شقاوت خود در جلب رحمت الهی که همان اجابت دعای چنین بندگان مخلصی می باشد تکیه می نماید.

نتیجه عبادت خالصانه و دعای عارفانه ابراهیم همانند انبیاء سابق الذکر جلب «موهبت» الهی می باشد که در تولد «اسحق و یعقوب» تحقق پیدا می کند. عجیب این که ذریه ابراهیم نیز همانند یحیی فرزند زکریا و عیسی فرزند مریم مظهر رحمت الهی (ووهبنا لهم من رحمتنا) و منشاء آن چنان خیر و برکت و لطف و مرحمتی بمردم می شوند که یاد و نام آنها تا به ابد در جایگاه بلندی در سینه نسل های بشری قرار می گیرد (و جعلنا لهم لسان صدق علیاً). همانطور که ابراهیم اهل محبت و صداقت بود (انه کان صدیقاً نبیاً - انه کان بی حفیاً) ذریه او نیز مظهر صدق و محبت می گردند.

معنای «حفی» مبالغه در اکرام و انعام و پی گیری مستمر از حال بنده برای لطف و رسیدگی می باشد، وقتی حضرت ابراهیم می گوید خداوند به من مهربان است (ان ربی کان بی حفیاً) اشاره به این حقیقت است که خداوند عطا و کرم بی حساب و مستمری نسبت به او دارد.

آیه (۵۱) واذکر فی الکتاب موسی انه کان مخلصاً و کان رسولاً نبیاً.
 موسی (ع) } « (۵۲) و نادیناه من جانب الطور الایمن و قربناه نجیاً
 نتیجه دعا (موهبت الهی) آیه (۵۲) و وهبنا له من رحمتنا اخاه هارون نبیاً
 داستان موسی (ع) و بنی اسرائیل بیش از هر داستان دیگری در قرآن آمده است. اما در این سوره، در رابطه با محور اصلی آن، تنها به مخلص بودن او و تقرب و نجوایش (انه کان مخلصاً... و قربناه نجیاً) که نشأت گرفته از «رحمن» و نتیجه «صلوة» می باشد، عنایت شده است. در این مورد نیز نتیجه دعا موهبت همیاری «هارون» می باشد که آن را ناشی از رحمت خدا می نامد (و وهبنا له من رحمتنا).

۱. در این سری آیات ابراهیم ۴ بار پدرش را با کلام یا ایت (ای پدر من، و پدر جان) مخاطب می سازد در حالی که او با تلخی و تندری ابراهیم را بجرم اینکه بسوی خدایش دعوت کرده بود، تهدید کرده و از خود رانده بود (قال اراغب انت عن الهتی یا ابراهیم لئن لم تنته لارجمنک واهجرنی ملیا).

اسمعیل (ع) } و اذکر فی الکتاب اسمعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولاً نبیاً
و کان یامر اهله بالصلوة والزکوة و کان عند ربه مرضیاً.

در مورد این پیامبر با این که به دو آیه اکتفا شده، اما از همین مختصر هم می توان نکاتی در رابطه با محور اساسی سوره که همان «رحمن»، و «صلوة» می باشد پیدا کرد. صادق بودن او مانند ابراهیم خلیل است (انه کان صدیقاً نبیاً) و مرضی بودن او (کان عند ربه مرضیاً) همانند یحیی (واجعله رب مرضیاً). و نیز توصیه ای که به اهل و خانواده اش می کند، مشخصاً «صلوة و زکوة» می باشد که عامل اساسی پیوند انسان با خدا و تزکیه و رشد او می باشد. موضوع زکوة در آیات قبل نیز در شان یحیی (ع) و عیسی (ع) آمده است. ادریس (ع): و اذکر فی الکتاب ادریس انه کان صدیقاً نبیاً و رفعناه مکاناً علیاً.

در مورد ادریس فقط دو آیه فوق در سوره مریم آمده است که از این اشاره کوتاه نمی توان به راحتی نکته ای در رابطه با محور سوره تشخیص داد، گرچه جمله «انه کان صدیقاً نبیاً» عیناً در مورد حضرت ابراهیم هم به کار رفته است، ولی این انطباق کافی نیست. در مورد این پیامبر در سوره انبیاء هم اشاره ای شده که ظاهر آن آیه نیز نمی تواند در این مورد کمی بنماید (و اسمعیل و ادریس و ذا الکفل کل من الصابرين. و ادخلناهم فی رحمتنا انهم من الصالحين). از مجموع دو سوره می توان دریافت که ادریس صادق و صابر و صالح بوده است و به این دلیل خداوند او را در رحمت خود داخل نموده و به مکان بلندی رفعتش داده است (و رفعناه مکاناً علیاً).

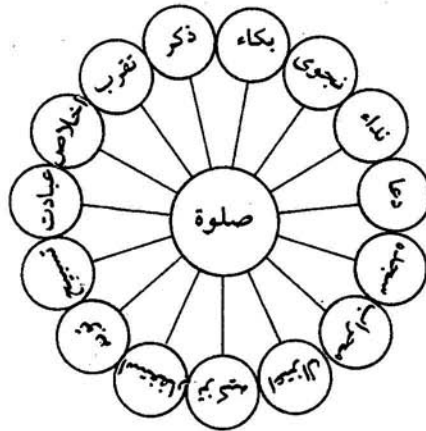
با وجود این که از اشارات فوق نمی توان نکته ای در رابطه با «صلوة» و دعا و مناجات و... که سیاق اصلی سوره می باشد، پیدا کرد، اما از دو آیه بعد که جنبه نتیجه گیری و جمع بندی این سری آیات مربوط به انبیاء را دارد می توان هماهنگی اخلاقی ادریس (ع) را با سایر انبیاء توصیف شده در سوره دریافت نمود. (..اذا تتلى عليهم آیات الرحمن خروا سجداً و بکیاً). در اینجا بزمین سجده افتادن و گریستن پس از تلاوت آیات «رحمن» مشخصه عمومی انبیایی معرفی شده که در این سوره به پیامبر (ص) فرمان داده شده از آنها در کتاب یاد کند^۱ (واذکر فی الکتاب...).



اکنون اگر خواسته باشیم در چارچوب مفهوم وسیع «صلوة»، کلماتی را که در مورد انبیاء توصیف شده، به کار رفته است در کنار هم قرار دهیم و نظام و سیستم واحدی را

۱. تعداد این انبیاء بجز حضرت مریم ۱۰ نفر می باشد (زکریا، یحیی، مریم، عیسی، ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی، هارون، اسمعیل، ادریس) علی نبینا و علیهم السلام

تصور نماییم که ارتباط کلمه مرکزی صلوة را با اعمالی که از آن ناشی می شود، دریافت نماییم؟ می توانیم شکل زیر را ترسیم نماییم. همه این اعمال بازتاب رحمت پروردگار «رحمن» در وجود انبیاء است، آنها از طریق «صلوة» که نقطه مرکزی اعمال ذکر شده است، حق بندگی خود را در برابر «رحمن» بجای آورند و به رشد رسیدند.



کلمات کلیدی

در این سوره مانند سوره های دیگر برخی از کلمات کاربرد بیشتری پیدا کرده اند که توجه به این امر می تواند تمرکز و عنایت سوره را نسبت به موضوعات مورد نظر نشان دهد. در این جا به عنوان نمونه چند موضوع مطرح شده است که رابطه موارد مختلف کاربرد یک کلمه را در کل سوره نشان دهد. برای این امر آیات مورد نظر را زیرهم می نویسیم و به ارتباط فیما بین دقت می نماییم. این آیات معمولاً یکدیگر را تفسیر می کنند و ابهام و اشکال را رفع می نمایند. اولین کلمه ای که انتخاب می کنیم «رحمن» است.

- آیه (۱۸) قالت انی اعوذ بالرحمن منک ان کنت تقیا
- « (۲۶) ..فقولی انی نذرت للرحمن صوما فلن اکلم الیوم انسیاً { از زبان مریم (ع)
 - « (۴۴) یا ایت لا تعبد الشیطان ان الشیطان کان للرحمن عصیاً { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۴۵) یا ایت انی اخاف ان یمسک عذاب من الرحمن... { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۵۸) ..اذا تتلی علیهم آیات الرحمن خروا سجدا و بکیاً { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۶۱) جنات عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب... { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۶۹) ثم لننزعن من کل شیعه ایهم اشد علی الرحمن عتياً { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۷۵) من کان فی الضلاله فلیمدد له الرحمن مدأ { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۷۸) اطلع الغیب ام اتخذ عند الرحمن عهدا { از زبان ابراهیم (ع)
 - « (۸۵) یوم نحشر المتقین الی الرحمن و فداً { از زبان ابراهیم (ع)
- به طور کلی

« (۸۷) لا يملكون الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا
 « (۸۸) و قالوا اتخذ الرحمن ولدا
 « (۹۱) ان دعوا للرحمن ولداً
 « (۹۲) و ما ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا
 « (۹۳) ان كل من فى السموات والارض الا اتى الرحمن عبدا
 « (۹۶) ان الذين آمنوا وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا
 به طور کلی

اعراب جاهلت «الله» را قبول داشتند و او را خالق خود و همه هستی می شناختند. اما معتقد بودند «الله» فقط خالق است و رابطه ای با انسانها ندارد. و چون دور از تصور دسترس انسانها است، باید متوسل به شفیعانی مثل: بت ها، ملائک، جن ها و افرادی از بشر شد که خداوند ولایت یا تدبیر اموری از جهان را به آنها سپرده است. به این ترتیب مشرکین بجای این که با خدای «رحمن» از طریق «صلوة» رابطه برقرار کنند، با انکار رحمن دل به بت ها یا واسطه هایی می بستند و برای آنها نذر و نیاز و قربانی و عبادت می کردند. در این سوره نشان می دهد که خداوند «رحمن» است. یعنی پس از خلقت او را رها نکرده دائماً سایه رحمتش را بر او گسترانده است. انسان نیز برخلاف تصور مشرکین مجبور نیست واسطه ها را عبادت کند، بلکه مستقیماً از طریق دعا و عبادت و استغفار و مناجات و توبه و... می تواند به خدا نزدیک شود.

آیه (۲) ذکر رحمت ربکم عبده زکریا (زکریا)
 « (۳۰) قال انى عبد الله اتينى الكتاب... (عیسی)
 « (۳۶) وان الله ربي وربكم فاعبدوه (از زبان حضرت محمد (ص)
 « (۴۲) اذ قال لاييه يا ابت لم تعبد مالا يسمع و...
 « (۴۴) يا ابت لا تعبد الشيطان...
 « (۴۹) فلما اعتزلهم و ما يعبدون من دون الله...
 « (۶۱) جنات عدن التى وعد الرحمن عباده بالغيب
 « (۶۳) تلك الجنة التى نورث من عبادنا من كان تقيا
 « (۶۵) رب السموات والارض و ما بينهما فاعبده واصطبر لعبادته...
 « (۸۲) كلا سيكفرون بعبادتهم و يكونون عليهم ضدا
 عبودیت

۱. برخی از آیات قرآن صریحاً نشان می دهد مشرکین با این که به «الله» معتقد بودند، رحمن را انکار می کردند. از جمله: انبیاء ۳۶ (وهم بذکر الرحمن کافرون)، رعد ۳۰ (وهم یکفرون بالرحمن) فرقان ۶۰ (واذا قيل لهم اسجدوا للرحمن قالوا و ما للرحمن)، اسراء ۱۱۰ (قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن)، زخرف ۳۳ (لجعلنا لمن یکفر بالرحمن...) و ۳۶/۱۵ - ۴۳/۴۵ - ۶۷/۲۹ و...

نداء

آیه (۳) اذ نادى ربه نداء خفيا (زکریا)

« (۲۴) فناديها من تحتها الا تحزنى... »

« (۵۲) و نادينه من جانب الطور الايمن و قربناه نجياً (موسى)

دعا

آیه (۴) ... ولم اكن بدعائك رب شقيا (از زبان زکریا)

« (۴۸) ... و ادعوا ربى عسى الا اكون بدعاء ربى شقيا (از زبان زکریا)

« (۹۱) ان دعوا للرحمن ولدا »

مسئله «عبادت» از عمده ترین موضوعات مطرح شده در سوره می باشد که رابطه مستقیم با کلمات «رحمن» و صلوة دارد. معنای لغوی این کلمه، تسلیم شدن و هموار کردن موانع و مقاومت های نفس است، همانطور که برای عبور اتومبیل جاده تسطیح می شود تا اصطکاک و مقاومت با صاف کردن دست اندازها و پستی و بلندی ها بحداقل برسد، و این کار را «عَبَدَ الطَّرِيقَ» می گویند، عبادت انسان هموار کردن موانع نفسانی و مخالفت هایی است که در برابر فرامین الهی سر می زند. عبادت گرچه در قالب اوارد و حرکاتی مثل نماز، دعا، مناجات، تسبیح و... انجام می شود، ولی در واقع از احساس و ادراکی ناشی می شود که انسان خود را جزئی از عالم بیکران می بیند و می خواهد با گردن نهادن به فرامین الهی و تسلیم شدن در برابر مشیت و تقدیر پروردگار حکیم، با بقیه مخلوقات هماهنگ شود و همه منیت های مستکبرانه خود را، که موانع پذیرش فرامین الهی هستند زیر پا نهد.

در ابتدای سوره، زکریا را به عنوان عبد معرفی می نماید (ذکر رحمت ربك عبده زکریا) و اولین کلام عیسی بن مریم را (علیرغم ادعای مسیحیان) عبد خدا بودن نقل می کند (قال انى عبدالله اتينى الكتاب...). وقتی از ابراهیم یاد می کند انتقادهای او را به پدرش به خاطر عبارت بت ها و شیطان و کناره گیری اش را از معبودهای آنها مطرح می سازد و در جای جای سوره عبادت رب العالمین را که پروردگار همه مردم و آسمانها و زمین است، فرمان می دهد. و بالاخره در نشئه پس از مرگ، از وعده هایی که خداوند در بهشت برای عباد خود مهیا ساخته و انکار مشرکین را نسبت به معبودهای دوران حیات یاد می کند و سرانجام در اواخر سوره (آیه ۹۳) تاکید می نماید که همه موجودات عالم به عبودیت خداوند روی می آورند (ان كل من فى السموات والارض الا اتى الرحمن عبدا).

از جمله موضوعات مهم در این سوره، تقوی می باشد که جمعاً شش بار به آن توجه شده است:

آیه (۱۳) و حنانا من لدنا و زکوة و کان تقیا

« (۱۸) قالت انی اعوذ بالرحمن منک ان كنت تقیا

« (۶۳) تلك الجنة التي نورث من عبادنا من كان تقیا

« (۷۲) ثم ننجی الذین اتقوا و نذر الظالمین فیها جثیا

« (۸۵) یوم نحشر المتقین الی الرحمن و فداً

« (۹۷) فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین و تنذر به قوما لداً

آیه اول در شان حضرت یحیی (ع) است و آیه دوم از زبان حضرت مریم، سه آیه بعد بهشت ابدی، نجات از آتش و به مهمانی خدا در آمدن در روز حشر را اختصاص به متقین می دهد و بالاخره در آخرین آیه آسان کردن قرآن را بزبان پیامبر اکرم (ص) برای بشارت به متقین می شمرد. (دو آیه آخر جمع بندی سوره محسوب می شود).

امر و قضای الهی - در این سوره چهار بار به موضوع «قضای امر» اشاره شده که بسیار قابل توجه و ملاحظه می باشد. آیه ۳۵ (سبحانه اذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون) - آیه ۳۹ (انذرهم یوم الحسرة اذ قضی الامر) - آیه ۲۱ (و کان امرا مقضیاً) - آیه (۷۱) وان منکم الا واردها کان علی ربک حتما مقضیاً.

سال نزول

آیات سوره مریم در سالهای میانی دوران بعثت در مکه نازل شده است. مطابق محاسبات کتاب سیر تحول قرآن، آیات ابتدای سوره تا آیه ۷۵ (به استثنای ۷ آیه ۳۴ تا ۴۰ که مثل جمله معترضه ای آهنگ متفاوتی دارد) مربوط به سال هفتم بعثت است (۳/۴ سوره) و ربع باقیمانده (آیات ۷۶ تا ۹۸) که به موضوع تنذیر آخرت در برابر شرک تعلق دارد مربوط به سال چهارم بعثت می باشد. در مورد این سوره نیز همانند سایر سوره ها، ترتیب نزول ملاک تدوین نبوده بلکه آیات موخر مقدم آمده است.

آهنگ آیات

تمامی ۹۸ آیه این سوره به استثنای ۷ آیه آن (۳۴ تا ۴۰) با حرف «الف» تنوین دار ختم می شوند. ۷ آیه استثنا که مانند جمله معترضه ای بین داستآن عیسی بن مریم و حضرت ابراهیم (ع) قرار گرفته، دقیقاً نتیجه گیری و مقصود از ولادت حضرت عیسی (ع) را بیان می کند و به نظر می رسد به همین دلیل برای جلب توجه بیشتر آهنگش تغییر یافته است، گرچه مطابق محاسبات جدول کتاب سیر تحول قرآن، این سری آیات یک سال بعد از آیات قبل آن نازل شده است.

مقایسه با سوره کهف

دو سوره کهف و مریم که بدنبال هم قرار گرفته‌اند، از جهات عدیده‌ای با یکدیگر مشابهت دارند که ذیلاً به برخی از این موارد اشاره می‌کنیم:

۱- عبادت - در هر دو سوره موضوع عبادت از محورهای اساسی می‌باشد، اما هر کدام از زاویه بخصوصی به این مسئله پرداخته‌اند. مشتقات این کلمه در سوره کهف ۶ بار و در سوره مریم ۱۲ بار بکار رفته است که بخصوص در دومی رقم بسیار بالایی است. آغاز هر دو سوره اشاره‌ای به عبد دارد، در سوره کهف محمد (ص) را به صفت عبد خدا یاد می‌کند (الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب) و در سوره مریم زکریا (ع) را (ذکر رحمت ربک عبده زکریا) - در هر دو سوره عبودیت غیر خدا مذمت شده است.

۲- رب - در هر دو سوره «ربوبیت» خداوند بیش از «الوهیت» او مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که تعداد نام رب (به صورت مضاف) در سوره کهف و مریم ۳۷ و ۲۳ می‌باشد. در حالی که تعداد نام «الله» ۲۰ و ۸ است که در مجموع کمتر از نصف می‌باشد، همان طور که گفته شد، مشرکین به الله اعتقاد داشتند، اما ربوبیت او را که به تدبیر دائمی حیات انسان و جهان ارتباط پیدا می‌کند قبول نداشتند. از آنجایی که مسئله توحید و قیامت (که در سوره کهف مورد بحث قرار گرفته) و رحمانیت و صلوة (که در سوره مریم موضوع اساسی را تشکیل می‌دهد) در چارچوب ربوبیت خداوند قرار دارد به این دلیل این سوره روی کلمه رب تاکید بیشتری نموده است.

۳- رحمت مخصوص - در هر دو سوره به رحمت ویژه‌ای که از جانب خداوند به بعضی بندگان برگزیده‌اش تعلق گرفته اشاره کرده است که ذیلاً عبارتند از:

<p>آیه (۱۰) ربنا اتنا من لدنک رحمة</p> <p>کهف « (۶۵) فوجدا عبداً من عبادنا اتیناه رحمة من عندنا</p> <p>« (۸۲) ..رحمة من ربک و ما فعلته عن امری</p> <p>« (۹۸) قال هذا رحمة من ربی</p>	}
--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---

<p>آیه (۲) ذکر رحمت ربک عبده زکریا</p> <p>مریم « (۱۳) وحنانا من لدنا و زکوة و کان تقياً</p> <p>« (۲۱) ولنجعله آية للناس ورحمة منا</p>	}
---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------	---

در ضمن کلمات «لدن» و «عند» در هر دو سوره آمده است:
 كهف: ربنا اتنا من لدنك رحمة - علمناه من لدنا علما - بأساً شديداً من لدنه،
 والباقيات الصالحات عند ربك

مریم: وهب لی من لدنك رحمة - حنانا من لدنه - كان عند ربه مرضيا - ام اتخذ
 عند الرحمن عهدا - عند ربك

۴- ذکر - مشتقات ذکر در سوره كهف ۶ بار (آیات ۲-۵-۱۶-۴۱-۵۱-۵۴)
 و در سوره مریم ۷ بار (آیات ۲۴-۲۸-۵۷-۶۳-۷۰-۸۳-۱۰۱) آمده است که
 در هر دو مورد قابل توجه می باشد.

۵- جعل - این کلمه در سوره كهف ۱۵ بار و در سوره مریم ۸ بار تکرار شده است
 که قابل ملاحظه و بررسی می باشد. جعل الهی معنای خاصی دارد که باید توجه
 داشت.

۶- باقیات الصالحات

نیمه دوم آیات ۴۶ سوره كهف و ۷۶ سوره مریم به ترتیب ذیل مشابه هستند:
 المال والبنون زينة الحيوه الدنيا والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا و خير املا
 و يزيد الله الذين اهتدوا هدى والباقيات الصالحات خير عند ربك ثوابا و خير مردا.
 بخش دوم هر دو آیه تقریباً با هم انطباق دارند. اما بخش اول آنها به تناسب سوره
 تغییر کرده است، در سوره كهف به دلیل آنکه دل بستگی به زینت دنیا مذمت شده
 صحبت از مال و بنون رفته ولی در سوره مریم که بحث از رحمن و صلوة است، هدایت
 پذیری (اهتداء) مورد نظر قرار گرفته است. در ضمن جمله باقیات الصالحات منحصرأ
 در این دو سوره به کار رفته است.

۷- اعتزال - کناره گیری از معتقدات و فرهنگ منحط و جاهلی، قدم نخست برای
 حرکت بسوی خدا محسوب می شود. در سوره كهف از کناره گیری جوانان آگاه و
 مومن یاد می کند (واذ اعتزلتموهم و ما يعبدون من دون الله فاعوا الى الكهف) و در
 سوره مریم از کناره گیری حضرت مریم (ع) (اذ انتبذت من اهلها مكانا شرقيا) و
 کناره گیری حضرت ابراهیم (ع) (واعتزلکم و ما تدعون من دون الله و ادعوا ربی... فلما
 اعتزلهم و ما يعبدون من دون الله...)

ارتباط سوره‌های مریم و طه (۱۹ و ۲۰)

۱- آیه ماقبل آخر سوره مریم آسان کردن قرآن را بزبان پیامبر اکرم، برای بشارت متقین و انداز مردم معاند و لجباز می‌شمارد و اولین آیه سوره طه نیز نازل کردن قرآن را بر آن حضرت، نه برای به رنج افتادن، که برای بیدار کردن مردم خدا ترس بیان می‌کند. بنابراین موضوع نقش قرآن برای بشارت و انداز و یادآوری، محور متصل کننده مباحث دو سوره می‌تواند محسوب گردد، وقتی رسالت پیامبر بشارت و انداز و تذکر باشد، دیگر تکلف و برنج افتادن برای هدایت آنها ضرورتی ندارد.

مریم (۹۷) فانما یسرناه بلسانک لتبشر به المتقین و تندر به قوماً لداً.

طه (۲) ما انزلنا علیک القرآن لتشقی - الا تذکرة لمن یخشى.

۲- آخرین آیه سوره مریم هشدار است به منکرین رسالت پیامبر با یادآوری اقوام گمراهی که بهلاکت رسیده و کوچکترین اثر و صدائی از آنان دیده و شنیده نمی‌شود. این اشارو اجمالی و سر بسته را در سوره طه با شرح مفصل داستان حضرت موسی و رسالتش برای رفتن نزد فرعون و نجات بنی اسرائیل تعقیب می‌نماییم و مهم ترین مورد و مصداق هلاکت اقوام منحرف را در قوم فرعون می‌یابیم، به این ترتیب بطور کاملاً طبیعی و قابل انتظار، داستان موسی و فرعون بدنبال سوره مریم آمده است.

۳- نام «رحمن» مشخصه اصلی سوره مریم است که ۱۶ بار در آن تکرار گردیده است^۱ (نزدیک به یک سوم کاربرد این نام در کل قرآن) به طوری که در ۱۴ آیه انتهایی این سوره ۷ بار بطور کاملاً چشمگیری رحمانیت عام خداوند را مطرح کرده است، در سوره طه نیز، در همان ابتدا، تنزیل قرآن را از جانب آفریننده زمین و آسمانهای بلند، بدلیل رحمن بودن خالق که اداره جهان هستی به ید قدرت او است توجیه می‌نماید:

تنزیلا ممن خلق الارض والسماوات العلی - الرحمن علی العرش استوی

نام رحمن در سوره طه نیز ۴ بار تکرار شده است که پس از سوره‌های مریم (۱۶) بار) و زخرف (۷ بار) بیش از بقیه سوره‌ها می‌باشد (البته مساوی سوره‌های ۲۰ - ۲۱ - ۳۶ - ۶۷)، به این ترتیب می‌توان گفت موضوع رحمانیت عام خداوند از وجوه مشترک و متصل کننده دو سوره می‌باشد که در سوره مریم تجلی این رحمانیت را در عنایتی که به انبیاء سلف شده (حضرت عیسی، زکریا، یحیی، مریم و...) مشاهده

۱. در کل قرآن نام رحمن ۵۷ بار تکرار شده است و تنها در سوره مریم است که مرتباً آثار پر برکت این نام جلوه می‌کند و بر آن بطور متمرکز تاکید می‌شود.

می‌نماییم و در سوره طه در پیامبر اسلام و حضرت موسی.

۴- در اواخر سوره مریم از عبودیت و فرمانبری مطلق تمامی موجودات آسمانها و زمین از خداوند «رحمن» یاد می‌کند (آیه ۹۳) و در سوره طه (آیات ۴ و ۶) از آفرینش زمین و آسمانهای بلند برافراشته و تعلق کامل آنها و آنچه بین آنها و زیر زمین است به خداوند رحمن. بنابراین موضوع «سماوات والارض» نیز از مسائل ربط دهنده میان دو سوره می‌باشد.